

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

ce487c96cd04b3cab088f1a4fd48ed9564ae763ad68994e62fa147a1525c5386

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

### تبادل فرهنگی - تعداد فیش : 13 ، تعداد مقاله : 0

بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌های کشورهای مختلف 1385/02/26

امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسانها را القاء می‌کنند و تعیین کننده هستند. رسانه‌ها می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ می‌توانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ می‌توانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسانها مؤثر باشند و می‌توانند انسانها را خوشبخت‌تر کنند؛ متقابلاً می‌توانند وسیله‌ی برافروختن جنگهای خانمان‌سوز باشند؛ می‌توانند عادات و آداب و رفتارهای مضر را در میان مردم رایج کنند؛ می‌توانند ملت‌هایی را از هویت انسانی خودشان و هویت ملی‌شان تهی کنند و می‌توانند احساس تبعیض را در انسانها زنده کنند. رسانه‌ها امروز نقش‌شان خیلی زیاد است. اگر در سطح بین‌المللی مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌ای بر اساس معیارهای اخلاق، فضیلت، برابری و تکیه بر مفاهیم واقعی انسانی باشد، ملتها سود خواهند برد. اگر رسانه‌ها برنامه‌سازی و مدیریت‌شان بر اساس منافع کمپانی‌های اقتصادی، ثروتمندان بین‌المللی، قدرتمندان تمامیت‌خواه و انحصارطلب باشد، یقیناً بشر زیان خواهد کرد. رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گفتگوی آزاد و دوجانبه و چندجانبه‌ی بین ملتها باشند. این یکی از بزرگ‌ترین امتیازات رسانه‌های عمومی و فراگیر است. رسانه‌ها می‌توانند به صورت اخلاقی و استدلالی، مفاهیم ملتها را میان یکدیگر تبادل کنند و دادوستد معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند؛ این مسئله‌ی بسیار ارزشمندی است. می‌توانند سطح آگاهی و معرفت مردم را ارتقاء دهند. اگر رسانه‌ها در دنیا عادلانه اداره شوند، جاده‌ی رسانه‌ای، یک جاده‌ی یک‌طرفه نباشد، ملتها به معنای حقیقی کلمه، حرف یکدیگر را گوش کنند و مفاهیم محترم در نزد یکدیگر را بشناسند، این به نزدیکی ملتها کمک خواهد کرد.

بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما 1383/02/28

تهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است؛ غیر از گرفتن برجستگیها و زبده‌گزینی از فرهنگهای دیگر است؛ این، چیزی است مباح، بلکه واجب. اسلام به ما دستور می‌دهد، عقل هم به‌طور مستقل از ما می‌خواهد که هر چیز خوب، زیبا و بارزتری را که در هر کجا می‌بینیم، آن را فرا بگیریم و از آن استفاده کنیم. این جملات معروف متداول در زبانهای مردم ما که «اطلبوا العلم ولو بالین» یا «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»؛ نگاه نکن حرف خوب، سخن حکمت‌آمیز، دانش و معرفت را چه کسی دارد می‌گوید، اگر سخن خوب است، آن را فرا بگیر، این گرفتن، گرفتن فرهنگی است و اخذ فرهنگی، تبادل فرهنگی و زبده‌گزینی فرهنگی، یک چیز لازم است و این، غیر از تهاجم فرهنگی است. من بارها گفتم که یک وقت هست که یک انسان با میل خود و بر طبق نیاز و اشتها و ضرورت زندگی‌اش یک نوع غذا، یک نوع دارو یا ماده‌ی لازمی را انتخاب می‌کند و آن را داخل جسم خودش می‌کند؛ این، گزینش است، که چیز خیلی خوبی است؛ اما یک وقت هست که یک نفر را می‌خواهند و ماده‌ای را که نه برای او لازم است و نه او به آن میل و اشتها دارد و نه برایش مفید است، به‌زور در حلقش می‌ریزند، یا به او تزریق می‌کنند؛ این، نامطمئن است؛ این، تهاجم فرهنگی است؛ همان کاری که با ملت ایران در طول سالهای متمادی کردند. از سیاستمدارانی که وابسته بودند، از آنهایی که با قراردادهای مالی دهن‌شان را می‌بستند، هیچ توقعی نیست؛ اما از شخصیت‌های علمی و فرهنگی در آن دوران این انتظار و توقع بود که اگر دارای هر عقیده‌ی هستند، ولو اسلام را هم قبول ندارند و ایمان اسلامی هم ندارند، برای هویت فرهنگی این ملت ارج قائل شوند؛ اما ارجی قائل نشدند؛ دروازه‌ها را باز کردند و چشمها را بستند و مجذوب و خیره شدند و ما را عقب انداختند. به خاطر همین، ما در میدان علم و فناوری عقب ماندیم. این‌که در عرف دوره‌ی جوانی من - که حالا خوشبختانه آنطور نیست و خیلی فرق کرده - واقعا هر کالایی به صرف خارجی بودن، مطلوب بود و به صرف داخلی بودن نامطلوب، فرهنگ عمومی آن زمانها بود و در داخل کشور هم جرأت و گستاخی کار علمی و تحقیقی و باز کردن بن‌بستها و شکستن مرزهای دانش اصلاً قابل تصور نبود و کسانی که در خودشان چنین استعدادی می‌دیدند، به هیچ راهی جز این‌که در محیطهای خارج از کشور کار کنند، فکر نمی‌کردند. این‌که ما خودمان بسازیم، خودمان تولید کنیم و خودمان ابتکار، اصلاً متصور نبود. بنده از اطلاعات و گزارشهای گوناگونی که در اختیارم قرار گرفته، نمونه‌های عینی خیلی فراوانی را سراغ دارم که شاید بعضی از شماها هم این موارد را بدانید. اما امروز نه، امروز خوشبختانه این حالت دلیری و خوداتکابی و شجاعت وارد شدن در میدانهای گوناگون هست. این فرهنگ را انقلاب عوض کرد. مقوله‌ی فرهنگ این است. این یک مثال و یک مصداق بود.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین 1382/09/26

تفاوت بین تهاجم و تعامل فرهنگی در این است که تعامل فرهنگی مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی‌فروشی می‌روید و آنچه را که می‌لتان می‌کشد، چشم شما و کامتان می‌پسندد و با مزاجتان مساعد است، انتخاب می‌کنید و می‌خورید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملت دیگر می‌گیرید؛ هیچ اشکالی هم ندارد. «اطلبوا العلم ولو بالین»؛ این را هزار و چهارصد سال پیش به ما یاد دادند. در تهاجم فرهنگی به شما نمی‌گویند انتخاب کن، بلکه شما را می‌خواهند، دست و پایتان را می‌گیرند و ماده‌ای را که نمی‌دانید چیست و نمی‌دانید برای شما مفید است یا نه، با آمپول به شما تزریق می‌کنند. البته دنیای غرب نگذاشت ما حس کنیم که دست و پایمان را گرفته‌اند و به ما تزریق می‌کنند؛ صورت قضیه را طوری قرار داد که ما خیال کردیم انتخاب می‌کنیم، در حالی‌که انتخاب نمی‌کردیم؛ بر ما تحمیل کردند. آن وقت اینها همان کسانی هستند که اگر اندک خدشه‌ای به فرهنگ رایج و مورد قبولشان وارد شود، جنجال راه می‌اندازند. شما ببینید در فرانسه که آن را مهد آزادی می‌دانند، برای سه چهار دختر روسری‌دار مسلمان چه سر و صدایی راه انداخته‌اند! این است که می‌گوییم باید فکر کنیم؛ باید تحلیل کنیم. اندیشه‌ی ترجمه‌ای برای یک ملت، سرنوشت بسیار سختی را به‌وجود می‌آورد. این توصیه‌ی همیشگی من به شما جوانان عزیز است.

بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلاّی رشت 1380/02/12

من یک وقت گفتم که فرق تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی چیست. تهاجم فرهنگی، یک امر منفی است؛ اما تبادل فرهنگی، یک امر مثبت است. یک وقت هست که یک انسان برای این‌که کمبودی را در بدن خودش برطرف کند، می‌گردد و غذا و داروی مناسب را - آن چیزی که به دردش می‌خورد - از هر جایی که گیرش آمد، پیدا می‌کند و با میل خود آن را داخل کالبدش می‌ریزد. یک وقت هم هست که نه، ما انتخاب نمی‌کنیم؛ دست و پای ما را می‌گیرند، یا بیهوشمان می‌کنند، یا مستمان می‌کنند و چیزی را که خودشان می‌خواهند - نه آن چیزی که ما لازم داریم - در بدن ما تزریق می‌کنند. آیا اینها با هم فرق ندارند؟! من می‌گویم ملت ایران نباید خودش را لخت بیندازد تا دشمن با مدرنترین شیوه‌ها، آنچه را که خودش می‌خواهد، از تغالهای دست دوم فرهنگش به جسم ملت ایران تزریق کند.

بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی 1376/09/18

امروز برخی از کشورهای ما از امکانات طبیعی و تولیدی و تواناییهای علمی و صنعتی و فرهنگی با ارزشی برخوردارند، که برخی دیگر نهایت نیاز را به آن دارند. این سازمان می‌تواند در تبادل منطقی و عادلانه‌ی این امکانات، دخالتی جدی داشته باشد.

بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور 1375/02/13

یک وقت من درباره‌ی «تعاطی فرهنگی» - نقطه‌ی مقابل «تهاجم فرهنگی» - بحث مفصلی کردم که از مصادیقش، یکی همین مطبوعات است. خوب؛ ما مطبوعات را از غرب گرفتیم. غریبه‌ی سابقه‌ی زیادی در حرفه‌ی روزنامه‌نگاری داشتند. از اواخر دوران ناصر الدین شاه هم مطبوعات وارد ایران شد و فعالیتش را آغاز کرد. اوج کار مطبوعات، در دوران مشروطه بود؛ یعنی از عهد مظفرالدین شاه بتدریج افزایش پیدا کرد.

من یک وقت گفتم که فرق تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی چیست. تهاجم فرهنگی، یک امر منفی است؛ اما تبادل فرهنگی، یک امر مثبت است. یک وقت هست که یک انسان برای این که کمبودی را در بدن خودش برطرف کند، می‌گردد و غذا و داروی مناسب را - آن چیزی که به دردش می‌خورد - از هر جایی که گیرش آمد، پیدا می‌کند و با میل خود آن را داخل کالبدش می‌ریزد. یک وقت هم هست که نه، ما انتخاب نمی‌کنیم؛ دست و پای ما را می‌گیرند، یا بیهوشمان می‌کنند، یا مستمان می‌کنند و چیزی را که خودشان می‌خواهند - نه آن چیزی که ما لازم داریم - در بدن ما تزریق می‌کنند. آیا اینها با هم فرق ندارد؟! من می‌گویم ملت ایران نباید خودش را لخت بیندازد تا دشمن با مدرنترین شیوه‌ها، آنچه را که خودش می‌خواهد، از تفاله‌های دست دوم فرهنگش به جسم ملت ایران تزریق کند.

#### بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان کشور 1375/02/12

تهاجم فرهنگی، یک امر منفی است؛ اما تبادل فرهنگی، یک امر مثبت است. یک وقت هست که یک انسان برای این که کمبودی را در بدن خودش برطرف کند، می‌گردد و غذا و داروی مناسب را - آن چیزی که به دردش می‌خورد - از هر جایی که گیرش آمد، پیدا می‌کند و با میل خود آن را داخل کالبدش می‌ریزد. یک وقت هم هست که نه، ما انتخاب نمی‌کنیم؛ دست و پای ما را می‌گیرند، یا بیهوشمان می‌کنند، یا مستمان می‌کنند و چیزی را که خودشان می‌خواهند - نه آن چیزی که ما لازم داریم - در بدن ما تزریق می‌کنند. آیا اینها با هم فرق ندارد؟! من می‌گویم ملت ایران نباید خودش را لخت بیندازد تا دشمن با مدرنترین شیوه‌ها، آنچه را که خودش می‌خواهد، از تفاله‌های دست دوم فرهنگش به جسم ملت ایران تزریق کند.

#### بیانات در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها 1374/04/19

البته این را هم بارها عرض کرده‌ایم که فرهنگها تبادل دارند. وقتی که بحث تهاجم فرهنگی را مطرح و بر آن پافشاری می‌کنیم، به آن معنا نیست که یک فرهنگ نباید چیزی را از خارج خود، به خود بیفزاید. متأسفانه در ایران اواخر قاجار که به فرهنگ غرب توجه شد و به ویژه در دوران منحوس پهلوی که این توجه شدت گرفت، آنچه که واقعا تبادل، تلقی، تعاطی و تکامل فرهنگی بود، در ارتباط با غرب انجام نگرفت؛ بلکه نوعی تحمیل فرهنگی رخ داد. گاهی انسانی هوشمند و عاقل، به اختیار خود، چیزی را گزینش می‌کند و می‌پذیرد و گاهی به عکس، به یک انسان مست و غافل و بیهوش، به زور، چیزی را تزریق و تحمیل می‌کنند. مسلما این دو، یکسان نیستند. در کشور ما، تحمیل فرهنگی کردند؛ یعنی آمدند و بدون این که گزینش صحیحی در کار باشد، چیزی را در کالبد فرهنگ و ذهنیات این مردم تزریق کردند.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه 1372/03/14

از دیگر مسائلی که دشمن استکباری را نسبت به جمهوری اسلامی خشمگین می‌کند، این است که ما با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت‌های مسلمان، مخالفیم. فرهنگ غرب، فرهنگی است که در عین برخورداری از نقاط مثبت، نقاط منفی هم دارد. ما معتقد به تبادل فرهنگها هستیم. ما می‌گوییم ملتی مثل ملت ایران، یا دیگر ملل مسلمان، باید در میان فرهنگهای عالم نگاه کنند و آنچه را که برایشان مفید و به‌دردبخور است، جذب و از آن استفاده کنند. از این فرهنگها، آنچه را هم که برایشان لازم و مفید نیست باید طرد کنند. اما دولت‌های غربی، سردمداران نظامهای استکباری و بخصوص نظام امریکا، اصرار دارند با انواع و اقسام طرق، فساد و بی‌بندوباری را که جزو خصوصیات فرهنگ غربی است، به ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند. ما با این روشها، که مختص امروز هم نیست و در تاریخ معاصر، مسبوق به سابقه است، مخالفیم. ما می‌گوییم چرا شما آن روشی را که خودتان درباره‌ی زنان انتخاب کردید و صددرصد به زبان آنان و منافع جوامع و مصالح انسانیت و بر خلاف عقل سلیم و منطق درست است، می‌خواهید به ملت‌های دیگر تحمیل کنید؟! شما برای این منظور، از وسایل تبلیغاتی و طرق گوناگون استفاده می‌کنید. ما با این مخالفیم. و این از جمله مواردی است که سردمداران استکباری را خشمگین می‌کند.

#### بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی 1371/05/21

«تهاجم فرهنگی»، با «تبادل فرهنگی» متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است. هیچ ملتی بی‌نیاز نیست از این که در همه‌ی زمینه‌ها، از جمله در زمینه‌ی مسائل فرهنگی - آن مجموعه مسائلی که به آنها نام فرهنگ داده می‌شود - از ملت‌های دیگر بیاموزد. همیشه‌ی تاریخ نیز همین بوده است. ملت‌ها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی را، خلقیات را، علم را، لباس پوشیدن را، آداب معاشرت را، زبان را، معارف را و دین را از یکدیگر فرا گرفته‌اند. این، مهمترین تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده است؛ حتی مهمتر از تبادل اقتصادی و کالا. بسیار اتفاق افتاده است که این تبادل فرهنگی، به تغییر مذهب یک کشور انجامیده است! مثلا در شرق آسیا، بیشترین عاملی که اسلام را به این کشورها - از جمله به کشور اندونزی، به کشور مالزی و حتی به قسمتهای مهمی از شبه قاره - برد، دعوت مبلغین نبود؛ بلکه رفت و آمد آحاد ملت ایران بود. تجار و سیاحان ایرانی راه افتادند، رفتند، آمدند و در سایه‌ی این رفت و آمدهاست که شما می‌بینید ملت بزرگی که امروز شاید بزرگترین ملت اسلامی در آسیاست - یعنی اندونزی - مسلمان شده است. این اسلام را اول بار، نه مبلغین دینی برای آنها بردند و نه شمشیر و جنگ! اسلام را همین رفت و آمدها برد. خود ملت ما هم، در طول زمان، خیلی چیزها از ملت‌های دیگر آموخته است، و این، یک روند ضروری برای تروتازه ماندن معارف و حیات فرهنگی در سرتاسر عالم است. این، تبادل فرهنگی است و خوب است.

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه - سیاسی یا اقتصادی - برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیرکردن یک ملت، به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند؛ اما به زور؛ اما به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی. این، اسامش تهاجم است. در تبادل فرهنگی، هدف، بارورکردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است. اما در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است. در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد. فرض بفرمایید، دانش را از آنها تعلیم می‌گیرد. فرض کنید، ملت ایران به اروپا می‌رود و می‌بیند آنها مردمی اهل سختکوشی و خطر کردند. اگر این را از آنها یاد بگیرد، خیلی خوب است. به اقصای شرق آسیا می‌رود و می‌بیند که آنها مردمی هستند دارای وجدان کار، علاقه‌مند به کار، مشتاق کار. اگر این را از آنها یاد بگیرد، خیلی خوب است. به فلان کشور می‌رود و می‌بیند مردم آن کشور، وقت شناس، دارای نظم و انضباط، دارای محبت، دارای حس ادب و حسن احترامند. اگر یاد بگیرد، اینها چیزهای خوبی‌ست.

در تبادل فرهنگی، قضیه چنین است. ملت فراگیرنده، می‌گردد نقاط درست و چیزهایی را که فرهنگ او را کامل می‌کند، از دیگران تعلیم می‌گیرد. درست مثل انسانی که ضعیف است و دنبال غذای مناسبی می‌گردد. دوا و غذای مناسب را مصرف می‌کند، تا سالم شود و نقصش از بین برود. در تهاجم فرهنگی، چیزهایی که به ملت مورد تهاجم می‌دهند، چیزهای خوب نیست، بلکه چیزهای بد است. فرض بفرمایید اروپاییها، وقتی تهاجم فرهنگی را در کشور ما شروع کردند، نیامدند روحیه‌ی وقت‌شناسی‌شان را، روحیه‌ی شجاعت و خطر کردن در مسائل را، یا تجسس و کنجکاوی علمی را، در ملت ما منتشر کنند و با تبلیغات و تحقیقات، سعی کنند ملت ایران، ملتی دارای وجدان کاری یا وجدان علمی شود. این کارها را که نمی‌کنند! مسأله لاپابالی‌گری جنسی را وارد کشور ما می‌کردند. ملت ما، در طول هزاران سال، ملتی بود دارای میاللات جنسی؛ یعنی رعایت‌های مربوط به زن و مرد و این در تمام دوران اسلامی بوده است. نه این که کسی خطا و تخلف نمی‌کرده؛ خطا همیشه هست. در همه‌ی دورانها و در همه‌ی

زمینه‌ها، افراد بشر خطا می‌کنند. خطا هست؛ اما خطا غیر از این است که چیزی بشود عرف جامعه!

**بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی** 1371/05/21

اگر در تبادل فرهنگی، ملتی که از فرهنگ بیگانه چیزی می‌گیرد، تشبیه به آدمی شود که در کوچه و بازار، غذا و دوا می‌خرد که مصرف کند؛ در تهاجم فرهنگی، ملتی را که تحت تهاجم قرار گرفته است، باید به بیماری که افتاده و خودش کاری نمی‌تواند بکند، تشبیه کنیم. آن وقت دشمن، آمپولی به او تزریق می‌کند و معلوم است آمپولی که دشمن تزریق کند، چیست! این، فرق دارد با آن دارو و درمانی که خود شما بروید و آن را با میل انتخاب و وارد بدنتان کنید. این، تهاجم فرهنگی است.

**بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی** 1371/05/21

تبادل فرهنگی به انتخاب ماست؛ اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است. تبادل فرهنگی انجام می‌دهیم تا کامل شویم؛ یعنی فرهنگ خودی را کامل کنیم. اما تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه‌کن کند. تبادل فرهنگی از چیزهای خوب است؛ تهاجم فرهنگی از چیزهای بد است. تبادل فرهنگی در هنگام قوت و روزگار توانایی یک ملت انجام می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است. لذا دیدید که استعمارگران، در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، هر جا خواستند وارد شوند، قبل از آن‌که سیاستمداران و سربازان و قزاق‌هایشان وارد شوند، مسیونرهای مسیحی و هیأت‌های تبشیری مسیحی شان وارد شدند! سرخپوستان و سیاهپوستان را اول مسیحی کردند، بعد طناب استعمار به گردنشان انداختند. بعد هم از خانه و کاشانه‌شان، آواره‌شان کردند و پدرشان را در آوردند!

